

تلاش آیت ا [بروجردی و مرحوم شلتوت برای تقریب مذاهب از زبان آیت ا [خامنه ای

سالها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل سنت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه این که شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می‌گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد.

اگر کسی مخلصاً لله احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ و الا او می‌رود کتاب «احقاق الحق» را می‌آورد و به رخ این می‌کشد و این هم می‌رود کتاب «تحفه اثنی عشریه» را می‌آورد و به رخ آن می‌کشد! هر دو هم به قدر کافی کتاب پُر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته‌اند! اگر ما بخواهیم گذشته را مطرح کنیم، نمی‌شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم: گذشته، گذشته است. «رحم الله معشرالماضین». ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده‌اند، ما امروز می‌خواهیم تکلیف خودمان را - بیننا و بین الله - نگاه کنیم. بیننا و بین الله، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف نظر کنیم.

این دارالتقربیه هم که ما مطرح کردیم، برای این است. دارالتقربیه که در مصر بود، از نظر ما عزیز و بسیار محترم بود؛ الان هم محترم است. متأسفانه نمی‌گذارند و نگذاشتند کار کند. فقط در یک برهه از زمان که مجلات «رساله الاسلام» منتشر می‌شد و مرحوم «شلتوت» و «شیخ سلیم» و رؤسای شریف ازهر حیات داشتند، دارالتقربیه خوب حرکت می‌کرد. مرحوم «آیه الله بروجردی» که مرجع تقلید ما بود، پشتیبان دارالتقربیه مصر بود. رئیس ازهر، اول «شیخ سلیم» بود که پایه‌گذار و در حقیقت زمینه‌ساز دارالتقربیه بود و بعد مرحوم «شیخ محمود شلتوت» رئیس ازهر شد که مفتی دیار مصریه بود. او هم خودش رئیس این دارالتقربیه بود. اینها پشتیبان تقربیه بودند. اینها که از طرفین رفتند، نه در تشیع و نه در تسنن، دیگر آن عالمی که روی این مسأله خیلی پافشاری کند، دیده نشد.

البته، بعد از مرحوم «آیة اللّٰه بروجردی» آقایان علمایی بودند. نه این که قبول نداشته باشند؛ همه معتقد بودند، لیکن آن انگیزه‌ی بی‌را که مرحوم «آیة اللّٰه بروجردی» روی مسأله‌ی تقریب داشت، آنها نداشتند. در بین تسنن هم همین طور بود. بعضی از آنها به مشهد آمده بودند و من بعضی از آقایان بعد از مرحوم «شلتوت» را دیده بودم. علمای ازهر به ایران می‌آمدند و با علمای شیعه هم تماس می‌گرفتند؛ لیکن آن انگیزه‌ی فعال و جوشانی را که دنبال این قضیه بروند، نداشتند؛ لذا «دارالتقریب»، اسم بی‌مسما‌یی شده بود.

ما که نمی‌توانیم منتظر بنشینیم که در قاهره یا در فلان شهر دیگر دنیای اسلام، یک وقت یک نفر به فکر تقریب بیفتد. خودمان بایستی این دارالتقریب را به وجود آوریم؛ البته بر مبنای هماهنگی و همکاری فکری و فقهی با هر مرکزی که در دنیا برای تقریب وجود داشته باشد. یعنی در این‌جا، بایستی کسانی از علمای ایران - چه اهل سنت و چه شیعه - پایه‌های اصلی این دارالتقریب را تشکیل

بدهند. ۱۳۶۸/۱۰/۰۵

بیانات زهیری در دیدار جمعی از علمای اهل سنت

منبع: <https://www.khamenei.ir/index-news/part/3542#14582>